

علل جامعه شناختی بزهکاری نوجوانان در استان گلستان

دکتر علیرضا اسماعیلی^۱

چکیده:

این مطالعه به علل جامعه‌شناختی بزهکاری نوجوانان پسر استان گلستان به‌عنوان یک آسیب اجتماعی می‌پردازد. بزهکاری، سلامت خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و سبب فروپاشی و نابسامانی خانواده و جامعه می‌گردد. لذا هدف اصلی پژوهش شناخت نقش خانواده و دوستان ناباب در بزهکاران نوجوانان است تا با شناخت آنها جامعه بتواند به سلامت از بحران‌ها عبور کرده و به کمال برسد. در حصول به این هدف از رویکردهای پیوند افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی استفاده گردیده است.

جامعه آماری در این مطالعه، نوجوانان بزهکار پسر کانون اصلاح و تربیت استان گلستان می‌باشند که به‌صورت تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. روش بررسی پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه می‌باشد که با آزمون خی دو رابطه بین متغیرها مورد سنجش قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درآمد، تحصیلات مادر و مسائل خانوادگی سه شاخص مهم خانواده هستند که رابطه معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. بنابراین خانواده به‌عنوان یک متغیر با بزهکاری نوجوانان همبستگی دارد. همچنین دوستان ناباب یا گروه همسالان نیز نقش مهمی در بزهکاری نوجوانان پسر ایفا نموده‌اند که نشانه تأیید تئوری افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی است. بنابراین خانواده و دوستان ناباب دو متغیر کلیدی در بزهکاری نوجوانان محسوب می‌گردند.

کلید واژه: بزهکاری، نوجوانان، جامعه شناختی، خانواده، دوستان ناباب.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

مقدمه

نوجوانی مرحله مهمی از زندگی است، زیرا نوجوانان به دنبال کسب استقلال و آزادی جهت آزمودن نقش‌ها و فرصت‌ها هستند تا بتوانند الگوهای جدید را تجربه و سپس عمل نمایند. کسب تجربیات جدید ممکن است آنها را با راه‌های نامناسب، حتی دوستان ناباب آشنا نموده و سبب سقوط آنها در ورطه هلاکت شود. البته بیشتر نوجوانان طبق معیارها و شیوه‌های رفتاری والدین خود عمل کرده و مرحله گذار و پرمخاطره نوجوانی به بزرگسالی را باموفقیت یا باحداقل مشکل سپری می‌کنند، درحالی که عده‌ای از این نظم اجتماعی خارج و به بزهکاری روی می‌آورند و برای خود، خانواده و جامعه چالش‌های جدی ایجاد می‌کنند.

بزهکاری^۱ یک رفتار انحرافی است، رفتاری که با انتظار اکثریت افراد جامعه در تعارض است. «انحراف، رفتاری است مغایر با معیارهای پذیرفته شده یا انتظار اجتماعی گروه یا جامعه-ای خاص. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۱۹۲) به عبارت دیگر، «کجروی یا انحراف، رفتاری است که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده، در نتیجه از نظر تعداد زیادی از مردم قابل نکوهش است.» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ۶۹) همچنین «انحراف زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا یک گروه معیارهای جامعه را رعایت نکنند. (کوئن، ۱۳۸۳، ۱۶۰) به نظر دورکیم جامعه‌شناس شهیر فرانسوی «جرم زمانی اتفاق می‌افتد که وجدان جمعی را جریحه‌دار کند.» (آرون، ۱۳۶۳، ۲۳) بنابراین در مجموع می‌توان گفت بزهکاری عملی است خلاف هنجارها، ارزش‌های اجتماعی، مقررات و قوانین جامعه که توسط افراد صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر عملی که خلاف نظام ارزشی و قوانین و مقررات جامعه باشد، بزه و انحراف اجتماعی^۲ تلقی شده و کسی که متهم به ارتکاب رفتار ضداجتماعی و قانون‌شکنی باشد، بزهکار^۳ است و طبق قوانین، مجازات می‌شود. البته نحوه برخورد با نوجوانان و بزرگسالان مجرم متفاوت است و نوجوانان همانند بزرگسالان مجازات نمی‌شوند. طبق قوانین، اعمال خلاف هنجارها، ارزش‌ها، قوانین و مقرراتی که فرد در سن کمتر از ۱۸ سالگی مرتکب می‌شود و متناسب با آن تنبیه می‌گردد، در حیطه بزهکاری نوجوانان قرار می‌گیرد. دزدی، تجاوز، آدم‌کشی، اعتیاد به مواد مخدر، نقض مقررات در اماکن عمومی، فرار از

-
1. Delinquency
 2. Social Deviance
 3. Delinquent

مدرسه و خانه اعمال بزهکارانه محسوب می شوند.

در تعریف بزهکاری تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین صاحب‌نظران وجود دارد، زیرا قوانین حقوقی و قضاوت جوامع در مورد ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی باعث می‌شود برخی از اعمال جرم شناخته شود. بنابراین رفتارهای بزهکارانه در اثر تغییر باورها و ارزش‌های یک جامعه می‌تواند دگرگون شود. همچنین نوع تنبیه نیز برای رفتار بزهکارانه در جوامع متفاوت است. امروزه بزهکاری دامنه مطالعه خود را به پدیده انحراف از هنجارها نیز گسترش داده است. بدین معنی که منحرف مجرم نیست، اما مطیع قانون هم نیست. روانشناسان اعتقاد دارند افرادی که مطیع قانون نباشند، احتمال رفتار بزهکارانه آنها نسبت به سایر افراد جامعه، افزایش پیدا می‌کند. بنابراین مطالعه بزهکاری نوجوانان بسیار مهم است، زیرا بزهکاری در نوجوانی پیش شرط بزهکاری در بزرگسالی است. آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، سلامت جامعه را تهدید کرده و سبب فروپاشی و نابسامانی جامعه می‌گردد. لذا مهمترین هدف این مطالعه دستیابی به علل جامعه‌شناختی بزهکاری نوجوانان است تا با شناخت آنها جامعه بتواند به سلامت از بحران‌ها عبور کرده و به کمال برسد.

ما در این بررسی به دنبال پاسخ دو سؤال اصلی هستیم: (۱) آیا خانواده در بزهکاری نوجوانان مؤثر است؟ (۲) آیا دوستان ناباب بر بزهکاری نوجوانان مؤثرند؟ بدون شک پاسخ به این سؤالات می‌تواند نقش خانواده و گروه همسالان را در بزهکاری روشن‌تر کند.

۲. نظریه‌های جامعه‌شناختی^۱

نظریه بی‌هنجاری^۲

مفهوم بی‌هنجاری، نخستین بار توسط امیل دورکیم در کتاب خودکشی وی مطرح شد. انحراف یا جرم از دیدگاه دورکیم امری طبیعی است، لذا مجرمان کار طبیعی را انجام می‌دهند. به نظر دورکیم همه جوامع دارای جرم هستند و لذا جرم در جامعه دارای کارکرد است. بنابراین جامعه بدون بزه و جرم غیرطبیعی است. به نظر دورکیم انحراف به حفظ نظم اجتماعی کمک

1. Sociological Theories

2. Anomie Theory

می‌کند، زیرا مرزهای اخلاقی مبهمی وجود دارد که جرم این مرزها را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر از آن جایی که مرزهای فعلی روشن نیستند، این واکنش اجتماعی نسبت به عمل انحرافی فرد دیگر است که کمک می‌کند تا مردم درک کنند که چه باید بکنند. لذا دورکیم استدلال می‌کند که رفتار به وسیله واکنش اجتماعی کنترل می‌شود. (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۶، ۲۰۲) پس از دورکیم، رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی، «کوشید تا بی‌هنجاری را به انحرافات اجتماعی ربط دهد و گفت نه تنها خودکشی، بلکه انواع انحرافات اجتماعی دیگر نیز حاصل شرایط بی‌هنجاری جامعه است.» (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵، ۲۰۵)

به نظر مرتن، انحراف ناشی از عدم تعادل در نظام اجتماعی است که طبق آن اهداف فرهنگی با وسایل و ابزار رسیدن به آن در تعارض است. «بنابراین هر جا که انحراف از هنجارها مشاهده شود، نشانه آن است که اتحاد بین اهداف فرهنگی و راه‌های نهاده شده، گسسته شده است.» (سخاوت، ۱۳۷۶، ۵۱) وی بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌آید. (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۷۰) وی پنج واکنش بین ارزش‌ها و وسایل دستیابی به آن را تشخیص می‌دهد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

(۱) هم‌نوایان یا بهنجارها^۱: گروهی که هم اهداف و ارزش‌های فرهنگی و هم وسایل رسمی و مشروع جهت نیل به آن را پذیرفته‌اند.

(۲) نوآوران یا بدعت‌گذاران^۲: کسانی که اهداف فرهنگی جامعه را می‌پذیرند، لیکن وسایل و ابزار مشروع جهت رسیدن به آن را نمی‌پذیرند و از وسایل غیرمشروع و غیرقانونی برای دستیابی به اهداف استفاده می‌کنند.

(۳) شعائرگرایی یا مناسک‌گرایی^۳: کسانی که وسایل و ابزار قانونی و رسمی برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه را می‌پذیرند، لیکن خود آن اهداف را رد می‌کنند. آنچه برای آنها مهم است، آداب و رسوم و تشریفات است.

(۴) انزواگرایان یا واپس‌گرایان^۴: افرادی هستند که هم اهداف فرهنگی، هم وسایل دستیابی

-
1. Conformists
 2. Innovators
 3. Ritualism

به آنها را رد می‌کنند. در واقع آنها یا از جامعه طرد شده‌اند یا خود از جامعه کناره‌گیری کرده‌اند. ولگردان و معتادان جزو این گروه محسوب می‌شوند.

۵) طغیان‌گرایان یا شورشیان^۲: کسانی هستند که هم اهداف فرهنگی، هم وسایل دستیابی به آنها را رد می‌کنند، لیکن «برخلاف انزواگرایان بدون هدف نیستند، بلکه راه‌ها و اهدافی را به عنوان جایگزین آنها معرفی می‌کنند.» (تنهایی، ۱۳۷۴، ۲۱۰)

مدل آسیب شناختی رابرت مرتن

وسایل نهادی شده	اهداف فرهنگی	خرده فرهنگها
+	+	همنویان
-	+	نوآوران
+	-	شعائر گرابی
-	-	انزواگرایان
-	-	طغیان‌گرایان
+	+	

نظریه پیوند افتراقی

نظریه پیوند افتراقی^۳ زیرمجموعه نظریه یادگیری اجتماعی^۴ است. به نظر ادوین اچ ساترلند^۵ مهمترین صاحب نظر این حوزه، بزهکاری تحت تأثیر نگرش‌های آموخته شده به وجود می‌آید. از دیدگاه وی افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنها بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی است. هنگامی که شخصی وارد یک گروه می‌شود، در معرض یک سری ارزش‌ها و هنجارهای آن قرار می‌گیرد که برخی از آنها مطلوب و برخی دیگر نامطلوب است. بنابراین اگر فرد ارزش‌های مطلوب بیشتری در رابطه با بزهکاری نسبت به ارزش‌های غیرمطلوب فرا بگیرد، احتمال این که بزهکار شود بیشتر خواهد بود. البته به نظر ساترلند، لزوماً فرد نگرش‌های انحرافی را از بزهکاران دیگر فرا نمی‌گیرد. (پرت واین و ساموتر، ۱۳۸۶، ۶۴)

1. Retreatists
2. Rebellion
3. Differential Association Theory
4. Social Learning Theory
5. E.H. Sutherland

بنابراین ساترلند بزهکاری را آموختنی می‌داند نه موروثی، یعنی فرد تا آن را یاد نگیرد، انجام نمی‌دهد.

به عبارت دیگر «فرآیند یادگیری رفتار مجرمانه به وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. ساترلند براین باور است کسانی مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند که بیشتر با کجروان و مجرمان حشر و نشر دارند. به بیان دیگر رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵، ۲۰۶) بنابراین کجرفتاری در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. بخش اصلی یادگیری کجروی در اثر ارتباط صمیمی درون گروه انجام می‌گیرد و در فرآیند این یادگیری، تکنیک‌های ارتکاب جرم آموخته می‌شود و الگوی رفتار انحرافی برای فرد مهمتر و بارزتر از الگوی قانونی موجود تلقی می‌گردد. به بیان دیگر «رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با منحرفان آموخته می‌شود. لذا رفتار انحرافی، نه منشا ارثی دارد و نه روان‌شناختی، بلکه شخص کاملاً آن را از دیگران فرا می‌گیرد. همان‌گونه که هم‌نویان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می‌دهند.» (رابرتسون، ۱۳۷۲، ۱۷۰)

رابرت برگس و راندل ایگز معتقدند «اگر هنجارهای اجتماعی و قوانین به صورت واقعی هم‌نویایی با رفتارهای قانونی را برای فرد تقویت نکنند، او بزهکار می‌شود، زیرا رفتار با تقویت مثبت شکل می‌گیرد.» تری داستر (۱۹۷۰) گروه همسالان و دوستان را در انجام بزه مهم می‌داند. (نائیچی، ۱۳۸۷، ۲)

همچنین محرومیت کودک از مادر و چگونگی رابطه فرزند با مادر درگرایش به بزهکاری نوجوانان نقش کلیدی دارد. طبق نظر بولبی، کودک تا سن پنج سالگی نیاز به یک رابطه نزدیک و مداوم با مادر خود دارد. لذا اگر این رابطه به هر علتی دچار اختلال گردد کودک قادر نیست یک رابطه صحیح با سایر افراد جامعه برقرار نماید. احساس دیدار اختلال در روابط فرزند و مادر، وجود عاطفه را بین آنها از بین برده و عدم عاطفه منجر به رفتارهای بزهکارانه می‌شود. (باقری، ۱۳۷۰، ۱۰۳) بنابراین طبق این نظریه، خانواده و دوستان بیشترین تأثیر را بر نوجوان دارند.

نظریه کنترل اجتماعی

نظریه‌های کنترل اجتماعی^۱ محیط اجتماعی را عامل بزهکاری می‌دانند. به عبارت دیگر بزهکاران رفتارهای نابهنجار را از محیط می‌آموزند. به نظر رایس عدم کنترل‌های درونی در دوران طفولیت که از خانواده، اقوام، خویشاوندان و مدرسه متأثر است، سبب بزهکاری آنها در بزرگسالی می‌گردد. به نظر کری (۱۹۹۳)، «تنها خانواده‌ها و فرهنگ‌های مستحکم می‌توانند به‌طور اساسی از بزهکاری جلوگیری کنند. بنابراین سستی خانواده‌ها، عدم وجود افراد بزرگسال و عدم وجود فرهنگ اصیل می‌تواند سبب فروپاشی کنترل اجتماعی شود و در نهایت بزهکاری را در نوجوانان تقویت کند. به عبارت دیگر، پیوندهای خانوادگی در جلوگیری از بزهکاری نقش مهمی ایفا می‌کنند و پیوندهای خانوادگی مهمتر از روابط با همسالان است.» (نائیجی، ۱۳۸۷، ۲) تراوس هیرشی^۲ مهمترین صاحب نظر این رویکرد، بزهکاری را بی‌اهمیتی به قید و بندهای اجتماعی و عدم کنترل نوجوانان از طرف خانواده، دوستان و مدرسه می‌داند. به عبارت دیگر وابستگی نوجوانان به خانواده، دوستان و مدرسه در جلوگیری از بزهکاری بسیار مهم است. هیرشی قید و بندهای کنترل اجتماعی را در چهار بعد بیان می‌کند:

(۱) وابستگی^۳: وابستگی به والدین، اقوام، دوستان و مدرسه نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌کند.

(۲) تعهد^۴: طبق آن هرچه فرد به قیود اجتماعی تعهد بیشتری داشته باشد، بیشتر از بزهکاری پرهیز می‌کند. حفظ شئون خانوادگی، پیروی از دستورات مذهبی و مانند آن سبب پرهیز از بزهکاری می‌شود.

(۳) مشغولیت^۵: اشتغال در امور و فعالیت‌های اجتماعی در جامعه مانند کار، ورزش، سرگرمی و مانند آن سبب می‌گردد فرد برای کار خلاف و بزه وقت نداشته باشد. لیکن آدم بیکار فرصت بیشتری برای اعمال خلاف خواهد داشت.

1. Social Control Theory

2. T. Hirshi

3. Attachment

4. Commitment

5. Involvement

۴) عقاید^۱: میزان باور و اعتقاد فرد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، مانند باور به نیکوکاری و حسن شهرت در خانواده و جامعه، سبب می‌شود فرد پایبند به آنها باقی بماند. (عباسی، ۱۳۸۷، ۱۱)

به عبارت دیگر هیرشی علت هم‌نوائی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. به نظر وی پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت هم‌نوائی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فردی است و ضعف پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجرفتاری است. به عبارت دیگر میزان تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین کننده در کجروی افراد است. نوجوانانی که تعهد و ارتباطات محکمی با والدین و مدرسه دارند، کمتر درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. بنابراین هنگامی که تعهد فرد به جامعه ضعیف باشد یا از بین برود، کجروی به وجود می‌آید.

رکلس، به تشریح بزهکاری به‌عنوان نوعی بازی میان دو شکل از کنترل درونی و بیرونی می‌پردازد. وی اعتقاد دارد در درون مردم یک مفهوم شخصی وجود دارد که ممکن است تصویری خوب یا بد از خود را به وجود آورد و به‌عنوان سپری در برابر تأثیرات بیرونی عمل کند. انواع گوناگونی از فشارها و کشش‌ها وجود دارد تا تمام افراد آن را تجربه می‌کنند. تأثیر این ترکیب به سوی ارتکاب بزه، به قدرت مهار درونی و بیرونی فرد بستگی دارد. اگر مفهوم شخصی بد و نامناسب باشد، کنترل‌های اجتماعی بیرونی، دارای تأثیری اندک بر فرد هستند و احتمال بزهکاری افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، فردی با مفهوم شخصی خوب، می‌تواند در مقابل کنترل اجتماعی ضعیف بیرونی ایستادگی و در برابر انجام عمل بزهکارانه مقاومت کند. رکلس به نقش عوامل درونی در بزهکاری به نسبت عوامل بیرونی ارزش بیشتری قائل است.

نظریه برچسب زنی

نظریه برچسب^۲ یکی از مهمترین رویکردها، جهت درک انحراف یا تبهکاری است. نظریه برچسب بر این اعتقاد است که واکنش جامعه نسبت به انحراف پیامدهایی را برای رفتارهای آتی شخص متخلف به وجود می‌آورد. جامعه برخی از رفتارها مانند دزدی را به عنوان بزه تلقی

1. Belief

2. Labeling Theory

می‌کند و شخصی که مرتکب چنین رفتارهایی می‌شود، از طرف اجتماع به‌عنوان بزهکار برچسب می‌خورد. بدین صورت برچسب خوردن باعث می‌شود که جامعه با فرد به طریقی رفتار کند که سزاوار یک انسان مجرم یا بزهکار می‌باشد. (پرت واین و ساموتر، ۱۳۸۶، ۸۵) همچنین «مجرم دانستن یک فرد، او را به جنایت ترغیب می‌کند. زمانی که فرد احساس می‌کند، دیگران او را مجرم می‌دانند و انتظار جنایت از او را دارند، بیشتر به ارتکاب جنایت تمایل می‌ورزد. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۳۸۸) «نظریه‌سازان برچسب زنی، کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به‌عنوان یک فرآیند کنش متقابل^۱ میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند. به نظر آنها برای درک ماهیت کجروی باید ببینیم، چرا به بعضی افراد برچسب کجروی زده می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۶۲) فرآیند برچسب زدن به دو مرحله تقسیم می‌شود: در مرحله انحراف اولیه، افراد از قوانین اجتماعی سر می‌تابانند، ولی برچسب نمی‌خورند و خود را منحرف نمی‌انگارند و سایر افراد جامعه نیز آنها را منحرف ندانسته و به آنها احترام می‌گذارند ولی در انحراف ثانویه، والدین یا دوستان افراد را منحرف می‌خوانند، لیکن افراد منحرف بودن را نمی‌پذیرند، در این مرحله برچسب برانزده آنها است. چرا انحرافات اولیه به انحرافات ثانویه منجر می‌گردد؟ به نظر ادوین لمرت، بین شخص و نیروهای متعدد کنترل اجتماعی نوعی کنش متقابل وجود دارد. انحراف اولیه مجازات اجتماعی را به دنبال دارد، پس از آن که انحراف رخ می‌دهد، طبعاً مجازات‌ها و طردشدن‌های شدیدتری را در پی دارد. دشمنی و رنجش حاصل آن است و احتمال دارد که مجریان مجازات در مرکز این خصومت قرار بگیرند. (ستوده، ۱۳۷۲، ۱۴۵)

«همین که برچسب بزهکار به کودکی زده شد، به‌عنوان مجرم بدنام می‌شود و ممکن است توسط معلمان و کارفرمایان آینده به‌عنوان فردی غیرقابل اعتماد در نظر گرفته شود. آنگاه فرد به‌ورطه رفتار تبهکارانه بیشتری سقوط می‌کند و فاصله‌اش با میثاق‌های اجتماعی رسمی زیادتر می‌شود. ادوین لمرت (۱۹۷۲) نخستین عمل خطا را کجروی نخستین می‌نامد. کجروی دومین هنگامی رخ می‌دهد که فرد برچسبی که به او زده شده را می‌پذیرد، و خود را به‌عنوان کجرو می‌بیند.» (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۶۲)

به نظر هوارد بکر، رفتار انحرافی به واسطه تعامل با سایر افراد جامعه شکل می‌گیرد، زیرا مردم به آن رفتار برچسب انحرافی می‌زنند. به عبارت دیگر چیزی به‌عنوان رفتار انحرافی وجود ندارد، بلکه زمانی یک رفتار انحرافی می‌شود که سایرین چنین بیندارند. بی‌حجابی در جامعه غربی نمونه‌ای از این گونه رفتارها است که سایرین به آن رفتار انحرافی نمی‌گویند. به نظر بکر، سر و صدای افراطی نوجوانان در محلات بالای شهر نشانه نشاط و شادابی آنها است، در صورتی که همین رفتار برای نوجوانان محلات پایین‌شهر بزه محسوب می‌شود، زیرا نظم شهر را به هم ریخته است. (علی پوری نیا، ۱۳۶۰، ۴۶) به نظر وی راه بازگشت به جامعه برای بزهکاران وجود دارد و افراد بزهکار وقتی که مشغول کار می‌شوند، دست از اعمال خلاف برمی‌دارند. لیکن هنگامی که بر آنها برچسب زده می‌شود، به سمت گروه‌های منحرف سوق پیدا می‌کنند. بنابراین تقویت انحراف، ناشی از واکنش اعضای جامعه نسبت به بزهکار است. (صفوی، ۱۳۷۰، ۵۷) به عبارت دیگر برچسب‌های ناشی از واکنش‌های اجتماعی به افراد باعث صدمه دیدن تصور آنان از خود، هویت کجروانه و انبوهی از انتظارات منفی اجتماعی می‌شود. به نظر ادوین لمرت، اولین باری که فرد به‌عنوان گناهکار انگ می‌خورد، پذیرش چنین هویت جدیدی برای او مشکل است. لیکن در تعامل با سایر افراد جامعه رفتار او را مجدداً سازماندهی می‌کند و رفتار کجروانه را انتخاب می‌کند. همچنین «برچسب انحراف ممکن است فرد را از خانواده و دوستان بگسلد، سبب شود که شغلش را از دست بدهد و از محل سکونتش اخراج گردد. این جریان ممکن است سبب انحراف بیشتری شود.» (صفوی، ۱۳۷۰، ۵۷) بنابراین باید از هرگونه برچسب یا انگ به نوجوانان پرهیز کرد.

نظریه خرده فرهنگی^۱

برخی از جامعه‌شناسان رفتار کجروانه را به‌عنوان هم‌نوایی افراد با خرده فرهنگ‌هایی می‌دانند که به آن تعلق دارند. خرده فرهنگ‌ها الگویی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها هستند که در میان گروه خاصی، به سنت تبدیل می‌شود. «شین و همکارانش (۱۹۶۴) دریافتند پسرانی که کجرو می‌شوند به‌طور قطع با خرده فرهنگ بزهکاری در ارتباط بوده‌اند. جان اودانل (۱۹۶۹)

1. Sub-Cultural Theory

می‌نویسد مفهوم خرده فرهنگ حاکی از این است که کجرو در ارتباط با دیگران است.» (نائیجی، ۱۳۸۷، ۲)

به نظر آلبرت کوهن رفتار بزهکار اغلب در میان مردان طبقه پایین دیده می‌شود. به نظر او در بزهکاری خرده فرهنگی، هیچ عقلانیتی برای سرقت نیست، مگر کسب شخصیت در میان هم سنخ‌ها، یعنی کاری که لذتی در آزار دیگران و تلاش برای تمسخر ارزش‌های طبقه متوسط را در خود دارد. به نظر وی تمام نوجوانان به دنبال موقعیت اجتماعی هستند. ولی با این وجود، همه آنها نمی‌توانند به‌طور مساوی برای به‌دست آوردن موقعیت به رقابت با یکدیگر بپردازند و بچه‌های طبقه پایین یارای رقابت با طبقه متوسط را ندارند. لیکن باید نظام ارزشی دگرگون گردد و طبقه پایین با تکیه بر امتیازات خود به موقعیت بالا دست پیدا کند. هرچه جوانان طبقه پایین و محروم با آنهایی که در خرده فرهنگ بزهکاری هستند، تعامل بیشتری داشته باشند، احتمال این که این جوانان تعاریف و رفتارهای آن خرده فرهنگ را بگیرند، بیشتر است. به نظر کوهن، افرادی که دارای تعامل دائمی هستند و بزهکاران و ولگردان را به‌عنوان افرادی مهم در نظر خود تلقی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که خرده فرهنگ بزهکاری را به‌عنوان راه حل مسائل خویش بیابند. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶، ۱۲۶)

به نظر دیوید ماتزا^۱ این که بزهکاران دارای نظام ارزشی متفاوت از نظام ارزشی دیگران هستند، صحیح نمی‌باشد. زیرا اگر چنین است بزهکاران نباید هیچ‌گونه گناه و شرم از کردار خود داشته باشند، درحالی که چنین نیست. به عقیده ماتزا بزهکار در مقام رد و نفی ارزش‌های فرهنگی نیست، بلکه وسیله دلیل تراشی برای اعمال خود است که به‌طور پنهانی در ارزش‌های جامعه وجود دارد. ماتزا سه عامل را در بزهکاری حرفه‌ای نوجوانان مؤثر می‌داند.

۱. بی‌اثر ساختن اهمیت اخلاقی قوانین. ۲. آموختن قبول بزهکاری از هم نشینان. ۳. اراده ارتکاب بزهکاری که از شدت و دلهره و نیاز به بازسازی شخصیت و خلاقیت انسان سرچشمه می‌گیرد. چرا که نیاز به انجام هرکاری برای اثبات شخصیت به شدت در جوانان وجود دارد، در حالی که کژرفتاری آسان‌تر و امکان‌پذیرتر از راه‌های قراردادی و رسمی است. (عبدی، ۱۳۷۱، ۴۶) اندرسون، اختلاف شخصیتی، احساس شکست، انزجار عمومی و حتی ترس از مجازات را

علت برخی از کجروی‌های اجتماعی می‌داند. در برخی موارد تبعیض نژادی و قومی باعث بیکاری و یا کم کاری و آن نیز سبب کجروی می‌شود. (کلاین برگ، ۱۳۴۳، ۴۴۷)

۳. پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط با بزهکاری نوجوانان تحقیقات گوناگونی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است که به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد.

در تحقیقات داخلی، شیوه تربیتی مستبدانه و غفلت و بی‌توجهی والدین، بعد خانوار، تحصیلات والدین، نوع شغل، نوع مسکن، وضعیت اقتصادی، زندگی در محله‌های شلوغ، جدایی والدین، فوت والدین، انحراف والدین، رفتار خصمانه والدین با یکدیگر عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به بزهکاری می‌باشند. همچنین عوامل اجتماعی و خانوادگی، اقتصادی و رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی شامل روزنامه‌ها، مجله‌ها، فیلم‌ها اگر به نحو مطلوبی نباشد، باعث بروز بزهکاری خواهد شد. رفتار خانواده، جامعه و نظام آموزشی نقش مؤثری در بزهکاری ایفاء می‌کنند.

تحقیق امینی در ساری نشان می‌دهد پایین بودن سطح درآمد خانواده، کمبود محبت خانواده نسبت به نوجوانان، دوستان ناباب، محیط ناسالم، عدم وجود امکانات تفریحی و اختلافات خانوادگی از جمله مهمترین علل بزهکاری بوده‌اند. (صبورا امینی، ۱۳۷۷)

نتایج پژوهش غفاری به تأثیر بسیار نامطلوب فقر بر بزهکاری تأکید می‌کند، چرا که اکثر افراد بزهکار از نوعی فقر رنج می‌برند و هرچه از فقر افراد کاسته شود، بزهکاری آنان نیز کاهش می‌یابد. (غفاری، ۱۳۷۸)

تحقیق شهروز بزرگ در شهر تهران نشان می‌دهد که ۴۸ درصد از نوجوانان مورد مطالعه بی‌سواد بوده و بقیه نیز تحصیل خود را در سال‌های اولیّه به علت فقر و عدم تمایل به مدرسه رها نموده و وارد بازار کار شده‌اند. مجرمین در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که اختلاف‌های زیادی در آنها وجود دارد. عدم بضاعت مالی از مهمترین علل انحراف بین جوانان مزبور است. ۱۲ درصد مجرمین مورد بررسی بدون سرپرست هستند، ۸ درصد آنان از خانواده‌شان طرد شده‌اند و بقیه نه پدر دارند و نه مادر. زندانیان جوان، گرفتار مشکلات ناشی از شهرنشینی

هستند و از آن آسیب دیده‌اند. ۸۰ درصد مجرمین قبل از ورود به کانون، کارگر بودند و از ۹ سالگی برای کمک به والدین وارد محیط کار شدند. (شهرزاد بزرگ، ۱۳۵۱)

در تحقیقی دیگر که در زنجان و قزوین بر روی نوجوانان بزهکار صورت گرفته است، نشان می‌دهد در زنجان انحرافات جنسی و قتل و در قزوین سرقت و نزاع بیشترین فراوانی را دارند. (انتصار فومنی، ۱۳۷۳)

در تحقیقات خارجی نیز گروه‌های همسالان نقش قابل توجهی در بزهکاری نوجوانان دارند. به نظر ماتسودا، گروه‌های همسالان بر رفتاری انحرافی نوجوانان و جوانان تأثیر دارند. همچنین به نظر هگمان و مک کارتی، زندگی در خیابان و وقت گذراندن در سرک‌وچه و محله‌ها بر انحرافات تأثیر دارند و در تحقیقی دیگر که هگمان و همکارانش در سال ۱۹۹۲ انجام داده‌اند، آرزوهای بی‌حد و حدود را موجب پیدایش انحرافات در جوانان و نوجوانان می‌دانند.

تحقیقات پول^۱ و رگولی^۲ در سال ۱۹۷۹ نشان می‌دهد نوجوانانی که کمتر از حمایت و پشتیبانی والدین خود برخوردار بوده‌اند آمادگی بیشتری برای جذب در گروه‌های بزهکار و منحرف را دارند. به عبارت دیگر نوجوانانی که در خانه از حمایت والدین برخوردارند تمایلی برای پیوستن به این گروه‌ها ندارند و مایل نیستند پایگاه تثبیت شده مطلوب خود را در میان خانواده به مخاطره بیندازند. (احدی، ۱۳۶۵، ۴۹)

در رابطه با تعارض خانوادگی، تحقیقات هنینگ و همکارانش در سال ۱۹۹۶ در ورمونت نشان می‌دهد کسانی که در کودکی شاهد خشونت والدین بودند دارای ناراحتی‌های روانشناختی بیشتر و سازگاری اجتماعی پایین‌تر بودند. (عباسی، ۱۳۸۷، ۱۳)

بیشتر تحقیقات انجام گرفته و برخی از تئوری‌های بزهکاری، خانواده و دوستان را در بزهکاری نوجوانان بسیار مؤثر دانسته‌اند، لذا این بررسی بیشتر با رویکرد تئوری‌های پیوند افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی صورت گرفته است. بدین شکل که برای سنجش متغیر خانواده از شاخص‌های تحصیلات پدر و مادر، درآمد خانواده، اختلاف والدین و مسائل خانوادگی استفاده شده و سپس رابطه هر یک از متغیرها به‌طور مستقل با بزهکاری ارزیابی

1.Pool
2.Regoli

شده است. البته رابطه دوستان ناباب نیز به عنوان یک متغیر مستقل با بزهکاری سنجش گردید که نتایج آن در بیان یافته‌ها بیان می‌شود.

۴- روش‌شناسی

جامعه آماری در این پژوهش نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت استان گلستان می‌باشد که به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. این مطالعه به دنبال دستیابی به علل جامعه‌شناختی بزهکاری نوجوانان پسر می‌باشد. روش بررسی نیز پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که با آزمون خی دو رابطه بین متغیرها بررسی شده است.

۵- بیان یافته‌ها

از مجموع بزهکاران نوجوان پسر کانون اصلاح و تربیت استان گلستان، میزان بزهکاری بیش از دوسوم آنها پایین است. زیرا طبق آمار میزان بزهکاری ۶۷/۷ درصد خیلی کم و ۶۳/۷ درصد کم است و میزان بزهکاری ۲۶/۷ درصد زیاد و ۳/۳ درصد خیلی زیاد است. به عبارت دیگر میزان بزهکاری ۷۰ درصد پسران بزهکار نوجوان کانون اصلاح و تربیت کم و خیلی کم و ۳۰ درصد نیز زیاد و خیلی زیاد است. باتوجه به این که تئوری پیوند افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی ملاک این بررسی قرار گرفته و طبق آن رویکردها خانواده و دوستان ناباب نقش کلیدی در بزهکاری ایفاء می‌کنند، متغیرهای خانواده و دوستان ناباب انتخاب گردیدند. جهت سنجش خانواده از متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، درآمد خانواده و اختلاف والدین استفاده گردید.

جدول شماره (۱) توزیع افراد مورد مطالعه بر حسب میزان بزهکاری

میزان بزهکاری	درصد
خیلی کم	۶۷
کم	۶۳/۷
زیاد	۲۶/۷
خیلی زیاد	۳/۳
جمع	۱۰۰

در ارتباط با تحصیلات والدین، داده‌ها نشانگر آن است که ۵۶/۷ درصد پدران نوجوان بزهکار بی‌سواد هستند و میزان سواد ۳/۳ درصد ابتدایی، ۲۷/۶ درصد سیکل، ۱۰ درصد دیپلم و ۳/۳ درصد فوق‌دیپلم و بالاتر است. جهت سنجش رابطه بین تحصیلات پدر و بزهکاری از آزمون خی دو استفاده گردید که نتایج بیانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد. زیرا سطح معنی‌داری دو متغیر طبق آزمون خی دو ۰/۲۹۶ است که نشانگر عدم وجود رابطه بین دو متغیر است.

جدول شماره (۲) نتایج آزمون خی دو بین متغیرهای مستقل و میزان بزهکاری نوجوانان

متغیرهای مستقل	مقدار کی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
تحصیلات پدر	۱۴/۰۶۸	۱۲	۰/۲۹۶
تحصیلات مادر	۱۸/۸۲۳	۹	۰/۰۲۷
میزان درآمد خانواده	۸/۸۸۶	۶	۰/۰۴۲
میزان اختلاف والدین	۵/۵۰۱	۹	۰/۷۸۹
مسائل خانوادگی	۱۵/۲۵	۹	۰/۰۰۰
دوستان ناباب	۱۳/۶۴۰	۹	۰/۰۳۶

در ارتباط با تحصیلات مادر، ۶۳/۳ درصد مادران نوجوانان بزهکار بی‌سواد هستند که به نسبت پدران شرایط نامناسب‌تری دارند و میزان سواد ۲۳/۳ درصد ابتدایی، ۶/۷ درصد سیکل و دیپلم است و میزان سواد هیچ یک از مادران بالاتر از دیپلم نبوده است. بنابراین هرچه سطح تحصیلات والدین کمتر باشد، احتمال بزهکاری نوجوانان بیشتر است. با توجه به این که بی-سواد و سطح تحصیلات مادران به نسبت پدران بیشتر است، فرض وجود رابطه بین تحصیلات و بزهکاری تأیید می‌گردد. جهت سنجش رابطه تحصیلات مادر با بزهکاری نوجوانان نیز از آزمون خی دو استفاده گردید. نتایج نشانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری دو متغیر طبق آزمون خی دو ۰/۰۲۷ است که نشانگر وجود رابطه در سطح ۵٪ است.

در ارتباط با درآمد خانواده، ۳۶/۷ درصد میزان درآمد والدین را کم، ۳۰ درصد متوسط و ۳۳/۳ درصد زیاد ارزیابی نموده‌اند. جهت سنجش رابطه درآمد خانواده با بزهکاری نوجوانان

نیز از آزمون خبی دو استفاده گردید. نتایج نشانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری دو متغیر طبق آزمون خبی دو ۰/۰۴۲ است که نشانگر وجود رابطه در سطح ۰/۵ است. نتایج نشان می‌دهد کسانی که بزهکاری آنها خیلی کم بوده است، اختلاف والدین آنها نیز کم و زیاد بوده است و نوجوانانی که بزهکاری آنها کم بوده است، عمدتاً اختلاف والدین خود را زیاد عنوان کرده‌اند، گرچه پاسخ‌های خیلی کم و کم با پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد تفاوت قابل توجهی با همدیگر ندارند.

جهت سنجش رابطه اختلاف والدین با بزهکاری نوجوانان نیز از آزمون خبی دو استفاده گردید. نتایج نشانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

آخرین شاخص خانواده، مسائل خانوادگی است. نتایج نشانگر آن است که ۳۶/۷ درصد میزان مسائل خانوادگی را کم، ۳۰ درصد متوسط و ۳۳/۳ درصد زیاد ارزیابی نموده‌اند. جهت سنجش رابطه مسائل خانوادگی با بزهکاری نوجوانان نیز از آزمون خبی دو استفاده گردید. نتایج نشانگر آن است که مسائل خانوادگی رابطه معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان داشته است. زیرا طبق آمار، سطح معنی‌داری دو متغیر طبق آزمون خبی دو برابر با صفر است که نشانگر وجود رابطه در سطح ۱٪ خطا است. به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

از مجموع شاخص‌های خانواده، تحصیلات مادر، درآمد خانواده و مسائل خانوادگی رابطه معنی‌داری با بزهکاری دارند. به عبارت دیگر با افزایش یا کاهش در تحصیلات مادر، درآمد خانواده و مسائل خانوادگی، میزان بزهکاری نوجوانان نیز افزایش یا کاهش می‌یابد.

در ارتباط با دوستان ناباب نیز داده‌ها نشانگر آن است که ۵۶/۷ درصد بزهکاران نوجوانان، خیلی کم و کم و ۴۳/۳ نیز زیاد و خیلی زیاد از دوستان ناباب برخوردار بوده‌اند. جهت سنجش رابطه دوستان ناباب و بزهکاری از آزمون خبی دو استفاده گردید. نتایج بیانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری دو متغیر طبق آزمون خبی دو ۰/۰۳۶ است که نشانگر وجود رابطه بین دو متغیر در سطح ۰/۵ است. به عبارت دیگر با ۵ درصد خطا می‌توان وجود هم‌تغییری دو متغیر بزهکاری و دوستان ناباب را تأیید کرد.

بنابراین متغیرهای خانواده و دوستان ناباب در جامعه مورد مطالعه با بزهکاری ارتباط

معنی‌داری داشته‌اند، بدین معنی که با تغییر شرایط خانوادگی یا تغییر دوستان، میزان بزهکاری نیز تغییر می‌کند.

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

فقر و تنگدستی خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت نامناسب کودکان و نوجوانان است. خانواده‌های تهیدست قادر نیستند به درستی به تعلیم و تربیت فرزند خود بپردازند، چون از آگاهی بالایی برخوردار نیستند. شرایط بد اقتصادی خانواده، به ویژه بیکاری والدین در برخی مواقع سبب حذف تحصیل یا ترک تحصیل کودکان و نوجوانان می‌گردد. به عبارت دیگر والدین به دلیل درآمد کم، فرزندان خود را به مدرسه نمی‌فرستند یا در میان راه مانع ورود وی به مدرسه و ترک تحصیل او می‌گردند. در این خانواده، نوجوانان از امکانات مناسبی در خانواده برخوردار نیستند و در شرایط اضطراری زندگی می‌کنند، لذا از خانه بیرون رفته و با بچه‌های دیگر آشنا و زمینه‌های بزهکاری احتمالی شکل می‌گیرد. البته همه کودکانی که وارد کوچه و خیابان و محله‌ها می‌شوند، بزهکار نمی‌گردند.

در این بررسی درآمد، تحصیلات مادر و مسائل خانوادگی سه شاخص مهم خانواده هستند که رابطه معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. بنابراین خانواده به عنوان یک متغیر با بزهکاری نوجوانان همبستگی دارد. البته در بسیاری از تحقیقات انجام گرفته خانواده، عامل کلیدی در بزهکاری نوجوانان است که نشانه تأیید تئوری افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی است. دومین متغیری که در بزهکاری نوجوانان نقش مهمی ایفاء می‌کند دوستان ناباب یا گروه همسالان است. به عبارت دیگر نوجوان تحت تأثیر گروه همسالان راحت‌تر می‌تواند منحرف گردد، زیرا پذیرش گروه همسالان از سایر گروه‌های جامعه بیشتر است. در این بررسی نیز دوستان ناباب شرایط را برای بزهکاری نوجوانان فراهم کرده‌اند. به عبارت دیگر بین دوستان ناباب و بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود داشته است. بدین معنی که با تغییر در متغیر دوستان ناباب، بزهکاری نوجوانان نیز تغییر کرده‌است، که نشانگر تشابه نتیجه با برخی از تحقیقات انجام گرفته‌است. همچنین نشانگر همسویی با تئوری پیوند افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی است. بنابراین خانواده و دوستان ناباب دو متغیر کلیدی در بزهکاری

نوجوانان محسوب می‌گردند.

کلام آخر آن که بزهکاری به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، یک تهدید جدی جهت سلامت کودکان و نوجوانان است. رشد شهرنشینی و شکل‌گیری جامعه گسترده با خرده فرهنگ‌های مختلف و تضاد و هنجارها و ارزش‌های جامعه از هم پاشیدگی روابط متقابل بین افراد و تأثیر گروه همسالان توجه به بحث آسیب‌های اجتماعی را اجتناب ناپذیر کرده‌است، لذا باید دولتمردان تمهیدات لازم را حداقل جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی فراهم نمایند تا نوجوانان در یک محیط سالم رشد و به کمال برسند، چرا که کمال و سعادت آنها، کمال و سعادت جامعه است.

فهرست منابع:

۱. آرون، ریمون، (۱۳۶۳)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
۲. احدی، حسن، (۱۳۶۵)، *روانشناسی رشد (۲)*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. احمدی، حسن و محسنی، نیک‌چهره، (۱۳۷۶)، *روانشناسی رشد*، چاپ ششم، تهران، نشر بنیاد.
۴. امینی، صبورا، (۱۳۷۷)، «*بزهکاری شهرستان ساری*» پایان نامه تحصیلی دانشگاه پیام نور بهشهر.
۵. انتصارفومنی، غلامحسین، (۱۳۷۱)، *مقایسه برخی از عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان ۱۳ تا ۱۹ ساله شهرهای زنجان و قزوین*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. باقری، خسرو، (۱۳۷۰)، *روانشناسی کودکان محروم از پدر*، چاپ اول.
۷. برگ، اتوکلاين، (۱۳۴۳)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، جلد دوم، نشر اندیشه، تهران.
۸. بزرگ، شهروز، (۱۳۵۱)، *بزهکاری نوجوانان در شهر تهران*، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۹. پرت واین، دیوید و ساترلند، ادوین، (۱۳۸۶)، *روانشناسی و جرم*، ترجمه داوود نجفی توانا، تهران.
۱۰. تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۷۴)، *مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد، نشر مرنديز.
۱۱. رابرتسون، یان، (۱۳۷۴)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، چاپ دوم، مشهد آستان قدس رضوی.

۱۲. راهب، غنچه، (۱۳۸۰)، بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر اصفهان بر بزهکاری، دانشگاه اصفهان.
۱۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
۱۴. ستوده، هدایت الله، (۱۳۷۲)، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۵. سخاوت، جعفر، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات پیام نور.
۱۶. صفوی، امان الله، (۱۳۷۰)، «تئوری های انحرافات»، رشد علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.
۱۷. عباسی اسفنجیر، علی اصغر، (۱۳۸۷)، «شبکه روابط خانوادگی، مدرسه، دوستان و روابط دوستی در رفتارهای انحرافی نوجوانان دختر ساری» همایش آسیب شناسی خانواده با تأکید بر استان گلستان، آزادشهر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر.
۱۸. عبدی، عباس، (۱۳۷۱)، آسیب شناسی اجتماعی و تأثیر زندان بر زندانیان، تهران، انتشارات نور.
۱۹. علیپوری نیا، اکبر، (۱۳۶۰)، جامعه شناسی انحرافات، چاپ اول، انتشارات تهران.
۲۰. غفاری، رقیه، (۱۳۷۸)، فقر و بزهکاری در زنان، پایان نامه دانشگاه پیام نور بهشهر.
۲۱. قنادان، منصور و همکاران، (۱۳۷۵)، مفاهیم کلیدی جامعه شناسی، تهران، انتشارات آوای نور.
۲۲. کوئن، بروس، (۱۳۸۳)، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
۲۴. نائیجی، مختار، (۱۳۸۷)، علل گرایش به اعتیاد و راه های پیشگیری و درمان آن، خبرگزاری دانشجویان ایران.
۲۵. ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین وی، (۱۳۸۶)، نظریه های جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران.